

حوادث سربالی در صنعت پتروشیمی که از پتروشیمی بوعلی در ماهشهر آغاز شد و به پتروشیمی بیستون و خط لوله اتیلن در غرب کشور رسید و دوباره به پتروشیمی بندر امام در همان ماهشهر بازگشت؛ اگرچه حوادث بی‌سابقه‌ای نبود؛ اما توالی این حوادث پرسش‌برانگیز شد. برخی شرکت ملی صنایع پتروشیمی را مقصر شمردند و برخی انگشت اتهام را به دلیل بی‌توجهی به الزامات ایمنی در پتروشیمی‌های خصوصی‌شده به سمت بخش خصوصی نشانه رفتند. هرچند دلایل بسروز این حوادث هنوز به‌طور دقیق اعلام نشده؛ اما مجموع مباحثی که درباره نقش شرکت ملی صنایع پتروشیمی و نقش بخش خصوصی در حوزه ایمنی در مجتمع‌های پتروشیمی و اختلاف نظراتی که درباره تبیین‌نکردن وظایف این‌دو صورت گرفته، ما بر آن داشت تا با مهم‌ترین مرجع نظارتی بر بخش ایمنی در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، یعنی مهندس حمیدرضا عجمی، مدیر ایمنی، بهداشت و محیط زیست این شرکت، گفت‌وگو کنیم تا نظرات او را در زمینه حوادث اخیر در صنعت پتروشیمی جویا شویم و اینکه ماهنگی بین دولت و بخش خصوصی در حوزه ایمنی در صنعت پتروشیمی چه راهکاری دارد.

حمیدرضا عجمی دارای لیسانس مهندسی شیمی از دانشکده نفت آبادان و فوق‌لیسانس ام‌بی‌ای از دانشگاه کالگری کانادا است. او در حوزه‌های مختلف صنعت پتروشیمی سابقه فعالیت دارد. ابتدا در پروژه بازسازی پتروشیمی بندر امام جزء نیروهای ناظر بر پروژه ساخت در زنجیره پی‌وی‌سی و سپس سرپرست نوبت‌کاری عملیات تولید جمعا به مدت پنج‌وینم سال بوده است. حدودا هشت سال در مهندسی فروش و در مقاطعی به عنوان جانشین رئیس این بخش در شرکت بازرگانی پتروشیمی انجام وظیفه کرد و بعد از آن حدود دو سال سرپرست بررسی اقتصادی و فنی طرح‌های پتروشیمیایی در مدیریت برنامه‌ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی بود. سال‌های ۸۷ و ۸۸ مدیرعامل یکی از شرکت‌های تولیدی لوله‌های پلی‌اتیلن متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی و هم‌زمان عضو هیات‌مدیره یکی دیگر از شرکت‌های همان مجموعه بوده است. در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ مدیرعامل شرکت NPC ALLANCE بود. یک سال مشاور مدیر برنامه‌ریزی پتروشیمی و دو سال معاون دفتر توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و یک سال هم مدیرعامل یکی از شرکت‌های بازرگانی متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی نفت بود. از اواخر سال ۹۲ تا تابان ۹۴ رئیس کل امور آموزش و تجهیز منابع انسانی پتروشیمی بود تا اینکه از آبان ۹۴ مدیریت اج‌اس‌ای شرکت ملی صنایع پتروشیمی را بر عهده گرفت. با مهندس عجمی در دفتر کارش در طبقه نهم ساختمان ان پی‌سی، دو هفته پس از بروز آخرین حادثه از حوادث سربالی پتروشیمی گفت‌وگو کردم تا به ریشه‌های بروز چنین حوادثی بپردازیم.

**❧ بعد از حوادث اخیر در صنعت نفت و به طور خاص پتروشیمی و آتش‌سوزی‌های متعدد، همگان روی موضوع ایمنی در صنعت پتروشیمی متمرکز شدند و به عبارتی بخش اج‌اس‌ای پتروشیمی خیلی تحت فشار بود. واقعا جناب‌عالی به عنوان مدیر این بخش در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، فشار زیادی تحمل کردید؟**

عرض کنم که ما هیچ‌گونه فشاری را تحمل نکردیم؛ چون مشغول انجام وظایف خود بودیم.

**❧ حتی در فضای رسانه‌ای؟**

خب بالاخره این‌طبیعی است که در فضای رسانه‌ای درباره این حوادث زیاد تحلیل شود. طبیعتا مردم روزی خبرها و تحلیل‌های رسانه‌ها حساس هستند و آن را دنبال می‌کنند. می‌خواهم یک مقدار به حادثه پتروشیمی بوعلی به عنوان اولین حادثه از حوادث اخیر برگردم که تقریبا به فاصله ۱۲،۱۰ ساعت خودم را به آنجا رساندم و در تمام مراحل اطفای حریق آنجا بودم و حتی یک روز بعد از آن هم در آنجا ماندم تا موضوعاتی برای خودم روشن بشود، البته همکاران‌مان را به فاصله تقریبا چهار، پنج ساعت به آنجا رساندیم؛

چون در تهران بودند. بنده هم با همه مسئولان، هم افرادی که در اطراف صحنه آتش بودند و هم افرادی که عملیات اطفای حریق را فرماندهی می‌کردند، یک‌به‌یک در ارتباط بودم. علت این‌که اطفای حریق مقداری طول کشید، این بود که تعطیلات بود و کسی اصلا احتیاج نداشتی‌داد چنین حادثه‌ای رخ دهد. برای تحلیل این‌ حادثه، ابتدا باید ببینیم جایگاه اج‌اس‌ای در شرکت ملی صنایع پتروشیمی و همچنین در ارتباط با بخش خصوصی چیست و بعد مرز مشترک فعالیت‌هایی را که بین آنها می‌تواند صورت گیرد، تعریف بکنیم. اصولا با توجه به خصوصیت‌سازی در صنعت پتروشیمی هم فکر می‌کنم که باید این کارها به مجموعه خودشان واگذار شود. قاعدا تم چون از ما انتظار نمی‌رود کار تصدی‌گری داشته باشیم. مجموعه فعالیت‌های ما بیشتر به بازبید و بررسی موارد محدود می‌شود. آن هم به شکل تصادفی و اینکه تجارت و یافته‌های داخلی و بین‌المللی را در قالب این‌نام، شوه‌نامه، دستورالعمل و روش‌های اجرایی انجام کار به صنعت ابلاغ کنیم. اتفاقا درباره همین موضوع، بنده از ابتدا که این مسئولیت را به عهده گرفتم، نظرم این بود و بارها هم اعلام کرده بودم و مخالفتی هم با آن نشده بود و در این مسیر جهت‌گیری کردیم که همین‌طور که فعالیت‌های تصدی‌گری صنعت پتروشیمی مثل تولید، فروش مثل، تعمیرات... و غیره اختصاص می‌شود، به خیلی از هلدینگ‌ها صنعت واگذار شده، مراقبت‌ها و پایش‌های مربوط به فعالیت‌های اج‌اس‌ای هم باید به این مجموعه‌ها واگذار بشود.

**❧ یعنی به بخش خصوصی واگذار شود؟**

بله، وقتی ان پی‌سی‌س تقسیم شده؛ یعنی در واقع همه شئونایش باید تقسیم بشود. در بخش خصوصی که در پتروشیمی فعال هستند موضوع HSE شاید تا

حدی مغفول مانده باشد. بنده اتفاقا از همان روزهای اول شروع و مدت مکتاتبه با هلدینگ‌های صنعت کردم. شاید برای بعضی از عزیزان تعجب‌برانگیز بود که چرا این مکاتبات انجام می‌شود؟ چون می‌خواستم آرام‌آرام ذهنیت را به این جهت هدایت کنم که واگذارشدن صنعت پتروشیمی فقط منحصر به تولید و فروش و درآمد و این‌طور چیزها نیست. مسائلی مثل ایمنی هم بالاخره مربوط به آنهاست و باید رعایت کنند. ضمن اینکه خود واگذاری‌ها هم یعنی اینکه فعالیت‌ها باید به مجموعه خودشان بروند. البته این موضوع به این معنی نبوده که ما بخواهیم صنعت را رها کنیم. ما در چارچوب همان برنامه‌های تدوین دستورالعمل‌ها و ابلاغ آنها و نظارت‌های تصادفی، کنترل‌ها و پایش‌ها هم خودمان را انجام می‌دهیم. از جمله بعضی از پتروشیمی‌های واگذارشده را افراد خود ما ممیزی کرده و گزارش ممیزی داده‌اند. هنوز هم نه صرفا در حوزه ایمنی، بلکه در حوزه‌های دیگر مثل محیط زیست، بهداشت، پدافند غیرعامل و... این کارها را ما انجام می‌دهیم. حالا متأسفانه ممکن است بعضی از موارد رعایت نشود، چون ما ابزار تصدی‌گری و اعمال حاکمیت هم در اختیار نداریم. در سال گذشته که تازه در این سمت مشغول شدم، در همان منطقه ماهشهر با مشارکت دو مجتمع پتروشیمی مانور مقابله با بحران نشت مواد شیمیایی برگزار شد که تحت نظارت ما بود منتها به آن درس‌هایی که باید گرفته و در سیستم‌ها اعمال شود و افرادی که در آن مجموعه‌ها مسئولیت دارند آن را رعایت کنند، باید بهتر عمل می‌شد.

دو تعریف خیلی مشخص را در زیربنای همه این مسائل می‌خواهم خدمتتان عرض کنم که مدنظر داشته باشیم. HSE -۱ و الزامات و فعالیت‌های مربوط به آن فقط مربوط به یک واحد شخصی به نام HSE نیست. برای مثال، اگر آشکارسازهای کارخانه مثل کنترل‌های دما، فشار یا مثلا سطح مخزن وجود نداشته باشد، یا در سرویس نباشد، HSE آنجا نیست که بداند وجود دارد یا نه؛ مسئول مربوطه در آن مجموعه باید دنبال کند و گزارش دهد و بگوید چنین مشکلی هست و خطرساز است. اغلب این تکنولوژی‌هایی که ما در تاسیسات پتروشیمی داریم تحت دانش فنی خارجی‌هاست و اولین مستنداتی که اینها برای عملیات تولید ایمن طراحی و تدوین می‌کنند، مجموعه دستورالعمل‌هایی به نام SOP هست یعنی روش‌های استاندارد تولید و بهره‌برداری و از مهم‌ترین اجرای آن هم بخش‌های Safety است، یعنی ایمنی که در آن استاندارد‌های تولید ایمن ذکر شده است، اعم از سیستم‌های آشکارساز، سیستم‌های هشداردهنده و سطوح مختلف اینها. اینها مواردی نیست که یک مجموعه HSE پایش کند، چراکه اگر بخواهد این‌طور باشد پس همکاری که مثلا در حوزه تولید و تعمیرات و بازرسی‌فنی هستند، چه مسئولیتی دارند. این مسائل را با همان سازماندهی و با تکبیه بر آن استاندارد فنی و کامل باید افراد مسئول در همان بخش دنبال کنند. ضمن اینکه در مجموعه HSE اصلا از زمانی که شما ایده طراحی دارید و می‌خواهید دانش فنی را منتقل کنید و مهندسی اصولی و مهندسی تفصیلی انجام دهید، نصب انجام دهید، سیستم‌ها، مسیرها و مدارها را کنترل کنید، آماده‌سازی برای راه‌اندازی و مراحل تولید و بعد از آن انجام دهید، حتی در حوزه حمل‌ونقل محصولی که از یک مجتمع بیرون می‌آید، الزامات و نگرانی‌های HSE وجود دارد. خب، اینها مختص یک واحد نیست اما مأموریتی که HSE دارد، این است که این موارد را به شکل دستورالعمل‌ها، فرم‌ها یا به شکل چک‌لیست‌ها و مانند اینها جمع و به مجموعه‌های اجرایی دیگر ابلاغ می‌کند.

۲- دومین مطلب، بحثی کلان‌تر است در همه جای دنیا وقتی خصوصی‌سازی انجام می‌شود تا جایی که ما مطالعه داشتیم، در کشورهای غربی با کشورهای شرقی پیشرفته‌تر که تصدی‌گری را مجزا کرده‌اند، مقوله‌ای به نام Public private partnership تعریف می‌شود که به آن three p's می‌گویند. ترجمه مبموشش برای ما یعنی تعاملات و فصل مشترک همکاری بین بخش حاکمیتی و بخش خصوصی. در کشور ما در یک فرایند خیلی فشرده و کوتامدت، ده‌ها میلیارد دلار دارایی فیزیکی صنعت پتروشیمی واگذار شده که خیلی هم خوب است و اتفاقا بازرز عمومی این است که بالاخره واگذارکردن یا خصوصی‌سازی یعنی اینکه کمک کند سیستم‌های عملیاتی خیلی پویاتر، سریع‌تر و چابک‌تر شوند. البته یادآوری کنم میزان دسترسی به این اهداف باید بعد از این چهار، پنج سال اخیر اندازه‌گیری شود که البته مکانیسم و متدولوژی خاصی هم دارد تا ببینیم واقعا به آن اهداف می‌رسیم یا نه؟ اما اینکه مثلا همه این مجتمع‌های واگذارشده فکر کنیم فقط باید با وزارت نفت سروکار داشته باشند، اصلا نقض غرض است، چون قرار است حاکمیت مقداری سبک و چابک نشود نه اینکه همه اینها باز به آن وصل بشوند. وزارت نفت با چهار شرکت اصلی مرتبط بود که اکنون همه شرکت‌های خصوصی‌سازی‌شده هم هرکدام بعضا راسا هم مراجعه می‌کنند. اگر برای این موضوع برنامه‌ریزی صحیحی می‌شد که به شکل دقیق‌تری انجام شود و از تجربیات خصوصی‌سازی در دنیا استفاده و برای مجموعه‌هایمان بومی‌سازی می‌شد، شاید وضعیت بهتر از این بود. در PPP یکی از بحث‌های مهم تبیین و تفکیک مسئولیت‌ها در حوزه HSE است. در تمام هلدینگ‌های صنعت پتروشیمی که واگذار شده‌اند غیر از یک جا، اصلا ساختاری برای

درگفت‌وگوی «شرق» با مدیر اج‌اس‌ای شرکت ملی صنایع پتروشیمی بررسی شد:

# ریشه‌های حوادث سربالی در پتروشیمی

**حمیدرضا شکوهی**



عکس: تارنیا حقیقی/شانا

HSE وجود ندارد یا بعضا فقط یک نفر آنجا هست که

اصولا مجال و فرصت کافی برای رسیدگی به مسائل HSE ندارد.

**❧ یک جا، منظورتان هلدینگ خلیج فارس است؟**

بله. البته آن هم با این وضعیتی که ما شاهدیم، راضی‌کننده نیست. برای یک هلدینگ که بیش از ۴۰ درصد از خروجی صنعت پتروشیمی زیرمجموعه آن است، کارکنان کمی در سازمان HSE آن فعال هستند. برای اینکه این سیستم منسجم شود و از یک ساختار مناسبی برخوردار باشد (سلسله‌مراتب فرماندهی و سلسله‌مراتب گزارش‌دهی)، باید در خود ستادهای هلدینگ‌ها چنین سازمانی باشد. این‌جانب و همکارانم اتفاقا شاید از چند ماه قبل این بحث‌ها را داشتیم و حتی به چند شرکت اعلام کردیم افرادی در سطوح مختلف سازمانی با همین شرح وظایف شغلی که ما فعلا در ستاد داریم، فعالیت در حوزه HSE را انجام دهند و بعد با توجه به شرایط عملیاتی‌شان برای مجموعه خود این ساختار و شرح وظایف را تطبیق بدهند و اصلاح کنند.

به‌هرحال خوب نبود حادثه بوعلی‌سینا پیش بیاید. البته ما خوشحال هستیم که صدمات و تلفات جانی نداشت. اما دلیلی هم نداشت حادثه‌ای با این همه زبان برای کشور رخ دهد. بعضی از افراد می‌گویند مجتمع‌های حادثه‌دیده خصوصی بوده‌اند. این‌جانب کاری به این تقسیم‌بندی‌ها ندارم؛ چراکه مجتمع‌های خصوصی هم متعلق به این کشور و سرمایه ملی است. بالاخره این مجموعه دارایی‌ها و این تاسیسات زمانی تحت لوای NPC و با منابع مالی همین کشور ساخته شده و ریشه‌هایش در این مملکت و متعلق به همین مردم است. حتی اگر در بخش خصوصی هم اتفاقی بیفتد صرف‌نظر از جایگاه حاکمیتی ما، اصلا خوشایند نیست. بالاخره خسارتی است که به مملکت وارد می‌شود. ولی به‌هرحال می‌شود با برنامه‌ریزی صحیح‌تر جلوی این حوادث را گرفت.

**❧ اجازه بدهید همین‌جا یک جمع‌بندی از صحبت‌های شما انجام دهم تا محورهای ادامه بحث مشخص شود. درباره حوادث اخیر در صنعت پتروشیمی دو بحث مطرح است: یک بحث اینکه وقتی این مجتمع‌ها واگذار شدند، آیا HSE و مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست آنها هم به نظر شما باید واگذار می‌شد یا خیر؟ آیا این کار اصلا انجام شده یا نشده؟ درحال‌حاضر از یک طرف بحث این است که خانم شاهدایی، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام کرده‌اند باید ماهنگایی کاملی در حوزه ایمنی بین مجتمع‌های بخش خصوصی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی وجود داشته باشد؛ در حالی‌که در صحبت‌های جناب‌عالی این‌گونه مطرح شد که وقتی مجتمع‌ها واگذار می‌شوند، باید به‌طور کامل و از جمله حوزه ایمنی آنها هم واگذار شود؛ چون امکانات ستاد مرکزی محدود است. با توجه به این دو موضع، می‌خواهم جمع‌بندی شما را از این موضوع بدانم.**

این مطلبی که درخصوص عرایض بنده فرمودید اختلافی با فرمایش خانم مهندس شاهدایی ندارد و در همان راستاست. بنده سعی کردم این موضوع را برایتان روشن کنم. مجتمع‌های پتروشیمی، بخش‌های تولیدی و ساختار HSE دارند که وظایف خود را هم انجام می‌دهند. هلدینگ‌های صنعت پتروشیمی فصل مشترکی بین NPC و آن مجتمع‌های تولیدی هستند. وقتی این فرایند‌های کاری در آن سلسله‌مراتب به شکل آبشارگونه تقسیم و توزیع می‌شوند، هلدینگ‌ها هم باید مشارکت جدی داشته باشند. وگرنه تاکنون در حوزه HSE عمده مراودات با نظارت‌ها یا ابلاغیه‌ها و دستورالعمل‌های ما با مجتمع‌ها انجام می‌شد، الان هم انجام می‌شود و کم‌ا‌کان هم انجام خواهد شد. اما این کار تا ابد نمی‌تواند ادامه یابد؛ چراکه یک ساختار سازمانی را با تعداد افراد مشخصی فرض کنید؛ مثلا برای ۱۵ تا ۲۰ مجتمع گرفته بودند و حالا ۵۰ تا ۶۰ مجتمع در صنعت پتروشیمی داریم. ۶۰ طرح دیگر هم داریم که در سال‌های آتی راه‌اندازی می‌شوند. اصلا این منطقی نیست که آن امکانات محدود تمام مجتمع‌های جدید را هم پوشش دهد. ما‌موریت ما طبق ابلاغیه‌های اجرایی اصل ۴۴ باید فقط روی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تدوین همین دستورالعمل‌ها و ساختاردهی متمرکز باشد.

نظارت هم باید داشته باشیم، اما نظارتی که یک هلدینگ باید داشته باشد باید به دفعات بیشتر از نظارتی باشد که ما انجام می‌دهیم. برای ما که بخشی از حاکمیت هستیم ممکن است لازم باشد هر شش ماه یک بار یا سالی یک بار به صورت تصادفی یک ممیزی انجام دهیم، ولی هلدینگ‌ها باید هر سه ماه یک بار از مجتمع‌هایشان یک گزارش ممیزی بگیرند. اتفاقا درباره همین موضوع شاید حدود یک ماه و نیم قبل از حادثه پتروشیمی بوعلی نامه‌ای به تمام هلدینگ‌ها ارسال کردیم که برنامه‌های ممیزی ایمنی‌شان را برای ما تدوین و ارسال کنند و هر چهارماه یک بار گزارش آن را برای ما بفرستند. می‌خواهم بگویم ما این یادآوری‌ها را داشته‌ایم. ولی متأسفانه هیچ بازخوردی از آن قضیه نگرفتیم، ببینید در یک بخش مثلا خصوصی شده مدیرعامل همواره نگران نمادش در تابلوی بورس است، ولی اگر بخواهیم کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، اگر فرهنگ مربوط به HSE و الزامات آن واقعا در باور تمام این‌ مدیران و کارکنان در همه سطوح شکل گرفته باشد، اتفاقا باید به این بیندیشد که اگر بخواهند به صورت پایدار این نماد را زنده و بالا و روبه‌رشد نگه دارند، باید در سازمان، این موضوع را برای پرسنل تبیین کنند که تولید و درآمد پایدار مشروط به اجرای اصول HSE است و در این‌صورت، نماد آن مجتمع هم در بورس همواره روبه‌رشد خواهد بود. اما متأسفانه این‌ها همواره‌ای نیستند که نگاه است. حادثه پتروشیمی بوعلی با همه بدی‌هایی که داشت، حداقل خیلی‌ها را بیدار کرد که متوجه بشوند همه‌چیز منحصر به مقوله تولید نیست.

**❧ می‌خواهم به‌طور مشخص بدانم اعتقاد جناب‌عالی چیست؟ استنباط من از صحبت‌های شما این است که حالت ایده‌آل این است که نظارت از ستاد مرکزی بر بخش‌های ایمنی وجود داشته باشد؛ تا جایی‌که مجتمع‌ها کلا واگذار بشوند و آنها بتوانند خودشان کارهای حوزه ایمنی را انجام دهند و دیگر نقش شما فقط سیاست‌گذاری باشد. این درست است؟ یعنی ما باید به این سمت برویم؟**

بله، باید در این مسیر حرکت کنیم. **❧ یعنی در حقیقت نظارت و اجرا و همه‌چیز با خود شرکت‌های خصوصی باید باشد؟** ببینید سطوح نظارت فرق می‌کند. یک نظارت مستمر داریم و یک نظارت عالیه، اجرا هم در خود مجتمع هست. بین ما و مجتمع‌ها که در‌ست خط مقدم عملیات هستند، مشکلی نیست. برای آنها تعریف شده است و کار خود را انجام می‌دهند. یک نظارت مستمری هست که آن هم به وسیله هلدینگ‌ها باید انجام شود. وگرنه ما نظارت عالیه‌مان را همان‌طور که خدمتان عرض کردم، برای مثال ممکن است شش ماه یک‌بار یا سالی یک بار انجام بدهیم یا یک مشاور امن بگیریم یا از طرف ما انجام دهیم. اما هلدینگ‌ها که می‌خواهند مجتمع‌های زیرمجموعه‌شان مداوم تولید داشته باشد و مشکلی ایجاد نشود، باید مستمرتر نظارت کنند و برنامه مستمر هم برای هلدینگ‌ها معمولا سه تا چهار ماه یک‌بار است. خود مجتمع‌ها به‌بازرسی‌فنی دارند، البته متأسفانه گاهی پیش می‌آید که یادآوری‌ها یا هشدارهای ایمنی در مجتمع‌ها متأسفانه بعضا جدی تلقی نمی‌شود. مثلا فردی را بدون اینکه آموزش ببیند، برای یک کاری در ارتفاع می‌فرستند و حادثه‌ای برایش رخ می‌دهد. بنابراین درست است که ما می‌خواهیم در اقتصاد نقش‌آفرینی داشته باشیم تا بتوانیم به رفا عمومی کمک کنیم، خیلی هم واجب و لازم است، اتفاقا صنعت پتروشیمی به دلیل گستردگی و فراگیربودن تعاملاتش با خیلی از بخش‌ها به دلیل نقش بزرگی که می‌تواند برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی در کشور داشته باشد، در فضای اقتصادی ما محور خوبی برای توسعه اقتصادی، حتی توسعه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است، اما باید الزاماتش را هم رعایت بکنیم که بتواند این نقش را ایفا کند و بازترین نمونه آن الزامات اج‌اس‌ای است. بخش خصوصی باید طبق قانون تجارت و طبق قانون کار و و غیره فعالیت کند. اما اینها فقط در حوزه بحث‌های نگاه‌داری است که شامل تولید و سرمایه‌گذاری و بحث‌های حقوقی و نیروی انسانی است، اما در یک حوزه کلان‌تر که حاکمیتی و مربوط به عموم جامعه است، از جمله الزامات اج‌اس‌ای،

گرفته است. مراودات تجاری و اقتصادی قرن‌ها قبل به شکل تهازی بوده و آرام‌آرام بشر به این فکر افتاده که قرار و مداری مثل دست‌نوشته و برات و سفته و پول به شکل اسکناس و به مرور زمان به شکل فاینانس و سرمایه و مانند در در مراودات وارد کرد. یعنی باز نقش نیروی انسانی خیلی مهم است که به سرمایه وزن و اهمیت داده است. یادم هست که خیلی سال پیش در مجموعه‌ای که بنده در آنجا مسئولیت کوچکی داشتم، به بعضی از عزیزان تازه‌وارد یادآوری می‌کردیم که در یکی، دو سال اول باید خیلی با احتیاط کار کنند و یک نفر ارشد‌تر باید بر آنها نظارت کند و به همین ترتیب هم بود. از این افراد در آن حال و در دوره کارآموزی نمی‌شود زیاد هم انتظار داشت و چه‌سا حتی سوالات خیلی بی‌ربطی را هم بپرسند، اما از کسی که مثلا ۲۵ سال تجربه دارد، درست است که در همه این سال‌ها هم خیلی آبرومدانه و فداکارانه انجام وظیفه کرده است ولی انتظار نمی‌رود خطاهای فاحشی سر بزند. بنابراین به نظر من نباید موضوع را این‌طور دید؛ باید هم به ریشه‌ها پرداخت و هم به عوامل انسانی، اما ملاحظاتش را هم باید رعایت کرد و خیلی درست و منطقی به این نکات بپردازیم.

**❧ نکته بعدی درباره توالی حوادث اخیر در پتروشیمی است. ما حوادث بزرگ‌تر از حوادث اخیر هم در سال‌های ۸۹ یا ۹۰ داشتیم، مثلا در پتروشیمی بندر امام حوادث منجر به تلفات جانی داشتیم. اما توالی حوادث اخیر در پتروشیمی عجیب بود. توالی این حوادث باعث نشد که شما فکر کنید ممکن است بروز این حوادث دلایل خاص دیگری هم داشته باشد؟**

واقعتیش را بخواهید از سومین حادثه که در پتروشیمی بیستون بود، چرا. چون تقریبا ۱۶ تیر ماه حادثه پتروشیمی بوعلی اتفاق افتاد، دو هفته بعد خط اتیلن غرب بود، حالا این دو مورد را؛ بالاخره می‌توان گفت مسائل فنی است و البته واقعا هم همین‌طور بود و خطای نیروی انسانی در هر دو مورد نقش داشت. اما درست هفته بعد که روز شهادت امام جعفر صادق (ع) بود، در پتروشیمی بیستون حادثه دیگری اتفاق افتاد....

**❧ هم حوادث هم در تعطیلات بود....**

بله دقیقا؛ وقتی شنیدم در بیستون این اتفاق افتاده همان لحظه احتمالاتی را بررسی می‌کردم که چرا باز هم چنین اتفاقی افتاده؟ بالاخره به لحاظ آماری هم شما ملاحظه کنید در سه نقطه در یک جهت که روندی را نشان می‌دهد، حوادثی شکل گرفت. اما این اوصاف طبیعتا نباید مظنون به چیزی باشیم تا بکه ریشه‌های حوادث روشن و کامل شود. البته عوامل خارجی در این حوادث دست نداشته‌اند. شاید بی‌توجهی‌های خود سیستم باعث این اتفاقات شده باشد. به عنوان مثال در راستای همان مسائل فرهنگ ایمنی، احساس مسئولیت فردی ایجاب می‌کند نیروی انسانی متوجه باشد که این صنعت و تاسیسات حساس هستند و باید با نشانهگرها یا ابزارهایی کنترل شوند که مثلا شرایط ایمنی و وضعیت محیط‌ها خطور است. خودم سال‌های زیادی در عملیات کار کرده‌ام و با این شرایط آشنا هستم. توالی این حوادث خیلی حساسیت‌برانگیز بود و حتی به خانم مهندس شاهدایی هم عرض کردم و ایشان هم خودشان خیلی حساس‌تر و جدی‌تر از بنده این موضوع را دنبال می‌کردند. اما باید دقت بیشتری‌ای این حوادث داشتیم. ببینیم باید

از یک سری موضوعات غافل نشویم. بالاخره کشور ما کشوری است با یک موقعیت خاص در حوزه اعتقادات، ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد و ما باید تلاش کنیم همه اینها را هم حفظ کنیم و هم به رشدشان کمک کنیم. هرکدام وظایفی بر عهده داریم؛ یکی در حوزه فرهنگ و دیگری در حوزه اقتصاد با سیاست خارجی و غیره، بنابراین باید مراقبت‌هایمان خیلی زیاد باشد. منظورم از ما، بالاترین نقطه هرم سازمانی تا پایین‌ترین سطوح است که مثلا حتی با جابه‌جایی محصولات و تجهیزات و تعمیرات یا حتی با آچارکشی و مانند آن سروکار دارند. ما باید آرام آرام با تبیین فعالیت در حوزه فرهنگ و آموزش‌های مداوم و بیشتر تجهیزات لازم جلوی این مسائل را بگیریم. دشمن‌هایی داریم که نباید حس کنند جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌هایی ممکن است ضربه‌پذیر باشد. ما باید به هر شکلی که هست جلوی این حوادث را بگیریم و البته کنترل‌هایی که انجام می‌دهیم و برنامه‌هایی که داریم که کمتر به منسجرت‌بودن ایمنی تا بتواند ما به در تحقق این اهداف کمک کند. البته پس از حوادث اخیر هلدینگ‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی خصوصی، بیشتر از قبل با ما ارتباط و از ما دستورالعمل می‌گیرند و در اقدامات مربوط به HSE بیشتر با ما هماهنگ می‌شوند. اما امیدواریم این روحیه زنده بماند که البته آن هم منوط به پایش مداوم است و این کار را هم انجام خواهیم داد و هلدینگ‌ها هم باید انجام دهند. در یک ماه اخیر تعداد زیادی از موضوعات و چالش‌های مربوط به HSE و بحران و پدافند غیرعامل با حضور شخص خانم مهندس شاهدایی بررسی شده و با توجه به تأکیداتی که آقای وزیر فرمودند اداره کل HSE وزارت نفت هم خیلی جدی‌تر و پویاتر مسائل را دنبال می‌کنند. اما باید به اینها سرعت بدهیم که زودتر به نتیجه برسیم.

**❧ درباره دلایل حادثه، موضوعی روشن شده است؟** یکی بررسی‌هایی انجام شده و برخی عوامل هم مشخص شده است. چون ساریوهای مختلفی بوده که در قالب یک گزارش خدمت خانم مهندس شاهدایی تقدیم شده است، ضمن اینکه با توجه به جلساتی که خدمت خانم مهندس شاهدایی بودیم و با توجه به اینکه خودشان هم در صحنه‌ها حاضر بودند و همکاران دیگر هم حضور داشتند و این بحث‌ها مطرح شده، هم ما و هم هلدینگ خلیج فارس و هم اداره HSE، وزارت نفت به نتایجی با‌شواهد و قرائن موجود رسیدهایم که تقریبا مشترک است.